

بررسی آسیب های رفتاری-اجتماعی دانش آموزان متوسطه شهرستان ورامین

علی کریمی^۱

^۱ مدرس دانشگاه فرهنگیان پردیس زینبیه پیشوا و فرهنگی رسمی آموزش و پرورش، ورامین، تهران، ایران

Alikarimi2098@gmail.com

۰۹۱۲۳۷۶۲۰۹۸

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی تهدیدها و آسیب های اجتماعی دانش آموزان مقطع متوسطه شهرستان ورامین انجام شده است. این مطالعه از نوع توصیفی-همبستگی و از نظر هدف کاربردی است. داده ها به صورت پیمایشی-مقطعی گردآوری شد. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان مقطع متوسطه شهر ورامین بود و حجم نمونه با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای (بر اساس جنسیت) و به تعداد ۳۳۰ نفر انتخاب گردید. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه ای ۱۱۶ سؤالی محقق ساخته بود که روایی آن به شیوه محتوایی تأیید و پایایی آن با آلفای کرونباخ ۰/۷۹ محاسبه شد. تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS انجام گرفت. نتایج نشان داد که آسیب های رفتاری-اجتماعی در بین دانش آموزان پسر به طور معناداری بیشتر از دختران است. تفاوت معناداری در میزان آسیب های رفتاری-اجتماعی بین دانش آموزان قوی، متوسط و ضعیف از نظر تحصیلی وجود داشت؛ دانش آموزان قوی کمترین و دانش آموزان ضعیف بیشترین آسیب ها را تجربه کردند. بین آسیب فرار از خانه و روابط با جنس مخالف رابطه معناداری وجود داشت. مصرف مواد و روابط با جنس مخالف به طور معناداری مرتبط بودند. یافته های پژوهش ضمن همسویی با نتایج مطالعات پیشین، به شناسایی عوامل تأثیرگذار بر آسیب های اجتماعی دانش آموزان کمک کرده و می تواند به سیاست گذاران و مسئولان آموزشی در طراحی برنامه های پیشگیرانه و مداخله ای یاری رساند.

واژگان کلیدی: آسیب های رفتاری-اجتماعی، فرار از خانه، روابط با جنس مخالف، مصرف مواد

۱- مقدمه

دانش آموزان مقطع متوسطه در دوره ای حساس از زندگی قرار دارند که نقش تعیین کننده ای در شکل گیری شخصیت و آینده آنها دارد. در این مرحله، دانش آموزان با چالش ها و فرصت های مختلفی در محیط خانوادگی، مدرسه و جامعه روبه رو می شوند. شهرستان ورامین، با ویژگی های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خاص خود، زمینه ای برای بروز برخی تهدیدها و آسیب های اجتماعی نظیر اعتیاد، ترک تحصیل، خشونت و روابط ناسالم میان دانش آموزان فراهم می کند. این مسائل می توانند بر سلامت روانی، پیشرفت تحصیلی و رفتارهای اجتماعی دانش آموزان تأثیرات منفی بگذارند. بررسی و شناسایی این تهدیدها و آسیب ها، گامی اساسی در جهت ارائه راهکارهایی برای کاهش اثرات مخرب و تقویت سلامت روانی و اجتماعی دانش آموزان است. در این پژوهش، با تمرکز بر دانش آموزان مقطع متوسطه شهرستان ورامین، تلاش خواهد شد تا ابعاد مختلف این تهدیدها و آسیب ها مورد تحلیل قرار گیرد.

در جامعه امروز، دانش آموزان به عنوان یکی از مهم ترین گروه های آسیب پذیر اجتماعی، با تهدیدهای متعددی مواجه اند که می تواند زندگی تحصیلی، اجتماعی و فردی آنها را تحت تأثیر قرار دهد. در شهرستان ورامین، با توجه به ساختار فرهنگی و اقتصادی، تهدیدها و آسیب های

اجتماعی نظیر اعتیاد، خشونت، ترک تحصیل و روابط ناسالم بیشتر نمود پیدا کرده است. این آسیب‌ها نه تنها بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر منفی می‌گذارد، بلکه می‌تواند به کاهش سلامت روانی و افزایش رفتارهای پرخطر منجر شود.

مشکلات اجتماعی در این منطقه، از جمله پایین بودن سطح آگاهی والدین، کمبود امکانات مشاوره‌ای در مدارس، و فشارهای اقتصادی، موجب تشدید این آسیب‌ها می‌شود. علاوه بر این، تفاوت‌های جنسیتی و وضعیت تحصیلی نیز بر شدت و نوع این آسیب‌ها تأثیر گذار است. به‌عنوان مثال، دانش‌آموزان با عملکرد تحصیلی ضعیف بیشتر در معرض آسیب‌هایی نظیر ترک تحصیل و رفتارهای پرخطر هستند.

ضرورت بررسی دقیق این مسائل از آن جهت است که شناخت و تحلیل این تهدیدها می‌تواند به تدوین برنامه‌های پیشگیرانه و مداخله‌ای کمک کند. این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که تهدیدها و آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان در شهرستان ورامین چه تفاوت‌هایی از نظر جنسیت و وضعیت تحصیلی دارند و چه عواملی در شکل‌گیری این آسیب‌ها نقش دارند.

مطالعه تهدیدها و آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان ورامین از جنبه‌های مختلف حائز اهمیت است. از جمله:

۱. **حفظ سلامت روانی و اجتماعی دانش‌آموزان:** شناخت تهدیدها و آسیب‌های اجتماعی کمک می‌کند تا با ارائه برنامه‌های مناسب، از بروز اختلالات روانی و اجتماعی در بین دانش‌آموزان جلوگیری شود.

۲. **بهبود کیفیت آموزش و پرورش:** آسیب‌های اجتماعی مانند ترک تحصیل و رفتارهای پرخطر می‌توانند بر کیفیت فرآیند یادگیری تأثیر منفی بگذارند. شناسایی این عوامل به بهبود محیط آموزشی کمک خواهد کرد.

۳. **کاهش هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی:** پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی می‌تواند موجب کاهش هزینه‌های مرتبط با درمان، مداخله‌های قضایی و خدمات اجتماعی شود.

۴. **تقویت بنیان خانواده و جامعه:** ارائه راهکارهایی برای مقابله با آسیب‌ها می‌تواند به بهبود روابط خانوادگی و اجتماعی و تقویت انسجام جامعه کمک کند.

۵. **ایجاد پایه‌ای برای سیاست‌گذاری‌های مؤثر:** نتایج این پژوهش می‌تواند به مسئولان آموزش و پرورش، مدیران مدارس و مشاوران در طراحی برنامه‌های پیشگیرانه و مداخلات مؤثر کمک کند.

بنابراین، پرداختن به این موضوع از منظر علمی و کاربردی، اقدامی ضروری برای بهبود وضعیت اجتماعی و تحصیلی دانش‌آموزان شهرستان ورامین است.

هدف پژوهش شجاعتی و همکاران (۱۴۰۳)، بررسی تأثیرپذیری نگرش به آسیب‌های اجتماعی از مولفه‌های سبک زندگی اسلامی است. یافته‌ها نشان داد تأثیر سبک زندگی اسلامی (باورها، عبادی، خانواده و امنیتی) بر نگرش به آسیب‌های اجتماعی معکوس و معنادار است؛ به طوری که با افزایش این مولفه‌ها آسیب‌های اجتماعی کاهش یافته و تأثیر سایر مولفه‌ها بر آسیب‌های اجتماعی معنادار نبوده است. یافته‌های دیگر بیانگر آن بود که به طور کلی ۳۳ درصد از عوامل تغییرات نگرش به آسیب‌های اجتماعی مربوط به متغیر سبک زندگی اسلامی بوده است. پابندی به ارزش‌های مذهبی و ایرانی برآمده از سبک زندگی اسلامی با تصحیح رفتارها و الگوهای حاکم بر زندگی به سان چتر حمایتی در برابر آسیب‌های اجتماعی برای افراد مورد مطالعه عمل کرده است و این پتانسیل را دارد تا نوع رفتارها و کنش‌های جوانان و نوجوانان را در قبال مسائل اجتماع تغییر داده و دارای کارکرد مثبت در جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی عمل کند. هدف پژوهش قیصری و همکاران (۱۴۰۳) بررسی دقیق آسیب‌های تهدیدکننده معلمان و دانش‌آموزان در مدرسه و تبیین تأثیرگذاری این قبیل آسیب‌ها بر عملکرد رفتاری و فعالیتی گروه مذکور در سطح مدرسه می‌باشد. یافته‌ها مشخص می‌کند که درگیری یک سازمان اجتماعی بسیار مهم و تأثیرگذاری به مانند مدرسه با آسیب‌های متعدد، می‌تواند به مراتب بر تأثیرگذاری و نقش آفرینی قابل انتظار این سازمان تأثیر بگذارد و روند عملکردی و ثمربخشی مورد انتظار آن را با اختلال روبرو کند. هدف از مطالعه مستانی (۱۳۹۹) بررسی عوامل مؤثر در فرار دختران از خانه می‌باشد. با

توجه به نتایج مطالعات موجود، عوامل موثر بر فرار دختران به سه دسته عوامل شخصی شامل سابقه سوءاستفاده هیجانی، جنسی و جسمی، اختلال در ارضای نیاز جنسی، روحی، عاطفی و جسمی، پایین بودن سطح سازگاری، قدرت حل مساله، مسئولیت پذیری، اعتماد به نفس، تحمل استرس و هوش هیجانی، عدم آگاهی از جنس مخالف، بلوغ، مذهب و باورهای دینی، عدم موفقیت تحصیلی و افت تحصیلی، بی سوادی، عوامل خانوادگی شامل مشکل ارتباط با والدین، تعارض بین والدین، تعارض با خواهر و برادر، طلاق والدین، بیسپرستی یا تک سرپرستی، وجود نامادری یا ناپدری، تعداد افراد خانواده، اعتیاد به مخدرها و مصرف الکل در والدین، سابقه جرم یا رفتارهای انحرافی در خانواده، بیکاری و شغل والدین، درآمد خانواده، سطح تحصیلات والدین، افراط و تفریط در مذهب و نظارت ها، تبعیض و خشونت در خانواده، تهدید به ازدواج اجباری، فقر فرهنگی و حمایت خانوادگی کم؛ عوامل اجتماعی شامل فقر اقتصادی، مهاجرت و اسکان غیررسمی، افزایش حاشیه نشینی، رفتار نامناسب کارکنان مدارس، فشار همسالان و دوستان، فقر فرهنگی جامعه، تبعیض جنسیتی، اعتماد اجتماعی پایین می باشد. نتیجه گیری: با توجه به پیچیده بودن عوامل مرتبط با فرار دختران از خانه و دارای بودن پیامدهای منفی در سطح جامعه لازم است تدابیری در زمینه مرتفع سازی مشکلات درسه سطح شخص، خانواده و جامعه صورت گیرد. پژوهش عیسی مراد (۱۳۹۴) با هدف آسیب شناسی در زمینه رفتاری- اجتماعی دانش آموزان متوسطه تهران انجام شده است. نتایج به دست آمده در این پژوهش بیان گر این موضوع است که اولاً آسیب های رفتاری- اجتماعی در سطح وسیعی از دانش آموزان متوسطه پسر (۲۹) و دختر (۱۹/۵) درصد وجود دارد. بین آسیب هایی مثل فرار و روابط نامشروع، اعتیاد و فرار، خودکشی، پر خاشگری و خشونت، اعتیاد و غیره رابطه ی معناداری وجود دارد. به تعبیر دیگر بین انواع آسیب ها نوعی رابطه وجود دارد که به طریق سیستمی در آسیب ها و اختلالات دیگر هم مؤثر بوده و فراوانی آن مشهود می باشد. میزان آسیب ها در پسران به طور معناداری بیشتر از دختران بوده است. نتایج به دست آمده ضمن شناسایی آسیب ها و اختلالات یاری رسانی به قشر دانش آموز و خانواده آنان برای تحول و بالندگی را پیام می دهد و برای مسئولان ذی ربط تعیین کننده و راه گشا است. یکی از سوالات اصلی این تحقیق، بررسی تفاوت های آسیب های اجتماعی و رفتاری میان دانش آموزان پسر و دختر است. تفاوت های جنسیتی در رفتارهای اجتماعی و آسیب های روانی، یکی از مباحثی است که در مطالعات اجتماعی به آن پرداخته شده است. بررسی این تفاوت ها می تواند نشان دهنده نحوه تأثیر گذاری شرایط اجتماعی و فرهنگی بر رفتارهای هر یک از جنسیت ها و همچنین تفاوت های موجود در میزان آسیب پذیری آن ها باشد. در این راستا، بررسی علل و عوامل زمینه ساز این تفاوت ها در شهرستان ورامین، می تواند درک بهتری از وضعیت آسیب های اجتماعی این منطقه فراهم آورد.

همچنین، در این تحقیق به بررسی تفاوت های آسیب های رفتاری و اجتماعی بین دانش آموزان قوی، متوسط و ضعیف از لحاظ تحصیلی پرداخته می شود. پژوهش های متعددی نشان داده اند که عملکرد تحصیلی و وضعیت اجتماعی دانش آموزان به طور مستقیم بر رفتارهای اجتماعی آن ها تأثیر گذار است. دانش آموزانی که از لحاظ تحصیلی موفق تر هستند، معمولاً در معرض آسیب های اجتماعی کمتری قرار دارند، چرا که از حمایت های بیشتری در محیط آموزشی و اجتماعی برخوردارند. در مقابل، دانش آموزان ضعیف از لحاظ تحصیلی، به دلیل مشکلات و ناتوانی های تحصیلی، ممکن است بیشتر در معرض مشکلات رفتاری و اجتماعی قرار گیرند. این بخش از تحقیق می تواند به شناسایی راهکارهای ویژه ای برای دانش آموزان ضعیف از لحاظ تحصیلی کمک کند.

یکی دیگر از جنبه های مهم تحقیق، بررسی رابطه بین آسیب فرار از خانه و روابط با جنس مخالف در میان دانش آموزان است. این موضوع به ویژه در میان نوجوانان می تواند نشانه ای از مشکلات عاطفی، روانی و اجتماعی باشد. فرار از خانه و مشکلات مربوط به روابط با جنس مخالف، از جمله آسیب های اجتماعی هستند که اغلب ریشه در مشکلات خانوادگی، روانی و اجتماعی دارند. بررسی این رابطه می تواند به شناسایی عوامل زمینه ساز این نوع آسیب ها کمک کند و پیشنهادهایی برای پیشگیری و درمان آن ها ارائه دهد.

هدف کلی این تحقیق، شناسایی و تحلیل تهدیدها و آسیب های اجتماعی دانش آموزان متوسطه شهرستان ورامین است. نتایج این تحقیق می تواند به مسئولان آموزشی، مدیران مدارس، مشاوران و روان شناسان کمک کند تا برنامه های پیشگیرانه و حمایتی مناسبی را برای کاهش

آسیب‌ها و تهدیدهای اجتماعی در این منطقه طراحی و اجرا کنند. همچنین، این تحقیق می‌تواند به درک بهتر وضعیت اجتماعی و روانی دانش‌آموزان در شهرستان ورامین کمک کند و زمینه‌ساز ایجاد سیاست‌های آموزشی و اجتماعی مؤثری برای بهبود وضعیت آنان گردد.

۲- روش شناسی

روش این مطالعه توصیفی-همبستگی است و همچنین این پژوهش از نظر هدف و مقصد کاربرد است. از نظر زمان گردآوری داده‌ها از نوع پیمایشی-مقطعی است. جامعه آماری دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر ورامین بودند و حجم نمونه پژوهش ۳۳۰ نفر از دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر ورامین بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای (بر اساس جنسیت) انتخاب شدند. دامنه سنی آزمودنی‌های انتخاب شده بین ۱۴ تا ۱۹ سال میانگین $M=15/9$ و انحراف استاندارد $SD=0/98$ بود. با اجرای پرسشنامه ۱۱۶ سؤالی محقق ساخته در مدارس متوسطه شهر ورامین به نتایج مندرج در پژوهش دست یافته شد. روایی این پرسشنامه به شیوه محتوایی تایید شد و برای پایایی آن آلفای کرونباخ $0/79$ بدست آمد. پس از جمع‌آوری داده‌ها کلیه اطلاعات با روش SPSS به تحلیل پرداخته شد.

۳- بحث درباره یافته‌ها

فرضیه ۱: بین دانش‌آموزان پسر و دختر از لحاظ آسیب‌های رفتاری-اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد؟ یافته‌های پژوهش حاضر با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی و آزمون نتایج ذیل که بر اساس جداولی آمده است که مورد تحلیل و بررسی و نتیجه‌گیری قرار گرفت. برای آزمون این فرضیه از روش آماری t برای گروه‌های مستقل استفاده شد که در جدول شماره ۱۱ ارایه شده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد آسیب‌های رفتاری اجتماعی در دو جنس

جنس	میانگین	انحراف استاندارد	t	سطح معنی‌داری
پسر	۳۴/۹۶	۲۲/۵	۴/۵۸	۰/۰۰۱
دختر	۲۶/۳۸	۱۷		

همانگونه که در جدول شماره ۱ آورده شده است میزان t محاسبه شده برابر با $۴/۵۸$ است که این مقدار از لحاظ آماری در سطح $0/01$ معنادار می‌باشد ($p<0/01$). بنابراین فرضیه صفر رد می‌شود و فرضیه تحقیقی ما تأیید می‌شود؛ یعنی بین دانش‌آموزان دختر و پسر از لحاظ آسیب‌های رفتاری-اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به جدول آسیب‌های مذکور در پسران بیشتر از دختران است.

فرضیه ۲: بین دانش‌آموزان قوی، متوسط و ضعیف از لحاظ تحصیلی در آسیب‌های رفتاری-اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد؟ برای آزمون این فرضیه از روش آماری تحلیل و واریانس یک طرفه استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: نتایج تحلیل واریانس یکطرفه

منبع واریانس	واریانس (SS)	درجه آزادی (df)	میانگین مربعات (MS)	F	سطح معنی‌داری
بین گروهی	۷۵۴۰۰۰	۲	۳۷۷۰۰۰	۶/۹۸	۰/۰۰۱
درون گروهی	۸۸۳۰۰۰	۳۲۷	۲۷۰/۷۰		
کل	۱۶۳۷۰۰۰	۳۲۹			

مقدار f محاسبه شده برابر با $6/12$ می باشد که این مقدار از F ، لحاظ آماری در سطح $0/01 < P$ (بنابراین فرضیه صفر رد می شود و فرضیه تحقیقی ما مورد تأیید قرار می گیرد. یعنی بین گروه های تحصیلی قوی، متوسط و ضعیف از لحاظ آماری تفاوت معناداری وجود دارد. در ادامه نتایج آزمون توکی برای مقایسه میانگین آسیبهای رفتارهای اجتماعی در سه گروه تحصیلی قوی، متوسط و ضعیف در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون تعقیبی توکی

گروه ها	تفاوت میانگین ها	معناداری
قوی	ضعیف	$0/001$
متوسط	متوسط	$0/035$
متوسط	ضعیف	$0/028$

همان گونه که در جدول مشاهده می شود، بین دو گروه تحصیلی متوسط و ضعیف تفاوتی وجود ندارد، اما میزان آسیب گروه قوی به طور معنی داری از گروه ضعیف و متوسط کمتر می باشد.

فرضیه ۳: بین آسیب فرار از خانه و روابط با جنس مخالف در بین دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد؟

برای آزمون این فرضیه از روش همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ آورده شده است. بر این اساس، میزان همبستگی برابر با $0/16$ است که از نظر آماری در سطح $0/01 < p$ (بنابراین فرض صفر رد می شود و فرضیه تحقیقی ها تأیید می شود.

جدول ۴: نتایج آزمون همبستگی

شاخص	مقدار
همبستگی	$0/24$
سطح معناداری	$0/009$
تعداد	۳۳۰

فرضیه ۴: بین مصرف مواد (سیگار، مواد مخدر، مشروبات الکلی و ...) و رابطه با جنس مخالف رابطه وجود دارد؟

برای آزمون این فرضیه نیز از روش همبستگی پیرسون استفاده شده است که برابر با $0/32$ می باشد که این میزان را همبستگی از نظر آماری در سطح $0/01 < p$ (بنابراین فرضیه صفر رد می شود و فرضیه تحقیقی تأیید می شود. یعنی بین مصرف مواد و رابطه با جنس مخالف همبستگی معنادار است.

جدول ۵: نتایج آزمون همبستگی

شاخص	مقدار
همبستگی	$0/32$
سطح معناداری	$0/005$
تعداد	۲۷۵

۴- نتیجه گیری

نتایج فرضیه اول این پژوهش نشان داد که آسیب‌های رفتاری-اجتماعی در بین دانش‌آموزان پسر بیشتر از دختران است. این یافته با نتایج عیسی مراد (۱۳۹۴) همسو است و می‌تواند به دلایل متعددی مرتبط باشد. از جمله دلایل مهم، تفاوت‌های جنسیتی در تربیت است. پسران معمولاً با انتظارات بیشتری از سوی خانواده و جامعه برای نشان دادن رفتارهای مستقل، جسورانه و رقابتی روبه‌رو می‌شوند. این فشارها ممکن است آن‌ها را به سمت رفتارهای پرخطر سوق دهد. همچنین، آزادی بیشتری که به پسران داده می‌شود، آن‌ها را بیشتر در معرض موقعیت‌هایی قرار می‌دهد که احتمال بروز آسیب‌های اجتماعی در آن‌ها بالاست. ساختار اجتماعی نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. در برخی فرهنگ‌ها، رفتارهایی مانند پرخاشگری یا خشونت به‌عنوان ویژگی‌های مردانه پذیرفته می‌شوند که این نگرش‌ها می‌تواند رفتارهای ناهنجار در پسران را تقویت کند. علاوه بر این، ضعف در بیان احساسات و نبود تشویق کافی برای ابراز عواطف، ممکن است مشکلات روانی و اجتماعی را به صورت رفتارهای ناسازگار نشان دهد. تأثیرات محیطی از دیگر عوامل هستند. پسران بیشتر تحت تأثیر گروه‌های همسالان قرار می‌گیرند و فشار گروهی می‌تواند زمینه‌ساز رفتارهای پرخطر شود. همچنین، تعاملات آن‌ها در محیط‌های آموزشی، به‌ویژه با نظام انضباطی و معلمان، ممکن است چالش‌هایی ایجاد کند که به رفتارهای آسیب‌زا منجر شود. تفاوت‌های زیستی و روان‌شناختی نیز قابل توجه است. پسران ممکن است به استرس به‌صورت پرخاشگرانه یا رفتارهای خطرپذیر واکنش نشان دهند. همچنین، نقش هورمون‌ها مانند تستوسترون می‌تواند در افزایش رفتارهای پرخاشگرانه و رقابتی تأثیرگذار باشد. رسانه‌ها نیز با ترویج تصاویر کلیشه‌ای از رفتارهای پرخاشگرانه به‌عنوان ویژگی‌های جذاب مردانه، می‌تواند تأثیر منفی بر رفتار پسران بگذارد.

نتایج فرضیه دوم این پژوهش نشان داد که نتایج نشان می‌دهد که بین دانش‌آموزان قوی، متوسط و ضعیف از لحاظ تحصیلی در میزان آسیب‌های رفتاری-اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد که این با نتایج بادبدست (۱۳۹۹) همسو است. دانش‌آموزان قوی در مقایسه با دو گروه دیگر آسیب‌های رفتاری-اجتماعی کمتری تجربه می‌کنند. این موضوع می‌تواند به دلایل مختلفی مرتبط باشد. دانش‌آموزان قوی احتمالاً از مهارت‌های بالاتری در مدیریت استرس، حل مسئله و تصمیم‌گیری برخوردارند و از حمایت‌های خانوادگی و اجتماعی بیشتری بهره‌مند هستند. این عوامل می‌توانند نقش مهمی در محافظت از آن‌ها در برابر آسیب‌های اجتماعی ایفا کنند. در مقابل، دانش‌آموزان ضعیف به دلیل مشکلات تحصیلی، فشارهای روانی و احتمالاً عدم دسترسی به حمایت‌های کافی، بیشتر در معرض آسیب‌های رفتاری و اجتماعی قرار می‌گیرند. فشارهای محیطی و کمبود مهارت‌های مقابله‌ای نیز می‌تواند در تشدید این آسیب‌ها نقش داشته باشند. دانش‌آموزان متوسط نیز از نظر آسیب‌های اجتماعی در وضعیتی بین دو گروه دیگر قرار دارند، اما آسیب‌های آن‌ها به‌طور معناداری کمتر از دانش‌آموزان ضعیف و بیشتر از دانش‌آموزان قوی است.

نتایج فرضیه سوم این پژوهش نشان داد که بین آسیب‌های فرار از خانه و روابط با جنس مخالف در بین دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد که این یافته با نتایج بادبدست (۱۳۹۹) و مستانی (۱۳۹۹) همسو است. در نظریه‌های روان‌شناختی، به‌ویژه نظریه‌های رشد اجتماعی و هیجانی، چنین روابطی می‌تواند بر رفتارهای نوجوانان تأثیر بگذارد. نوجوانان در سنین حساس رشد، به‌ویژه در دوران بلوغ، تحت تأثیر تغییرات هورمونی و اجتماعی قرار دارند و در این زمان به دنبال هویت‌یابی و تجربه‌های اجتماعی می‌روند. روابط با جنس مخالف می‌تواند یک جنبه از این جستجوی هویت باشد. اما در مواقعی که این روابط به‌طور غیرمؤثر و با مشکلات احساسی یا فشارهای اجتماعی همراه شوند، می‌تواند منجر به بروز مشکلات رفتاری مانند فرار از خانه شود. از سویی به نظر می‌رسد روابط با جنس مخالف می‌تواند تحت فشارهای اجتماعی یا فرهنگی‌ای که بر نوجوانان اعمال می‌شود، تغییر کند. در برخی از جوامع، فشار برای رعایت هنجارهای اجتماعی یا محدودیت‌های خانوادگی ممکن است باعث ایجاد تنش‌هایی در روابط شود که به‌طور غیرمستقیم به فرار از خانه منجر گردد. به عبارت دیگر، دانش‌آموزانی که روابط با جنس مخالف را تجربه می‌کنند و در همین زمینه با مخالفت‌های شدید از سوی خانواده یا جامعه روبه‌رو می‌شوند، ممکن است به‌عنوان راه‌حلی برای فرار از این فشارها به فرار از خانه روی آورند.

نتایج فرضیه چهارم نشان می‌دهد که مصرف مواد و روابط با جنس مخالف به طور معناداری به هم مرتبط هستند که این یافته با نتایج بادبست (۱۳۹۹) و مستانی (۱۳۹۹) همسو است. این ممکن است ناشی از مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی، روان‌شناختی و فرهنگی باشد که هر دو این رفتارها را تحت تاثیر قرار می‌دهند. از نظر اجتماعی، نوجوانان در دوران بلوغ به دنبال پذیرش اجتماعی و هویت‌یابی هستند و ممکن است برای تقویت هویت خود وارد روابط با جنس مخالف شوند. در همین حال، فشارهای اجتماعی و محیطی، به ویژه در جوامع خاص، می‌تواند بر رفتارهای دیگر مانند مصرف مواد تاثیر بگذارد. در برخی از جوامع، روابط با جنس مخالف ممکن است به نوعی نشان‌دهنده‌ی عضویت در گروه‌های خاص اجتماعی باشد که مصرف مواد نیز در این گروه‌ها رایج است. از نظر روان‌شناختی، نوجوانان ممکن است برای مقابله با استرس‌ها، اضطراب‌ها یا فشارهای روانی ناشی از روابط با جنس مخالف به مصرف مواد روی بیاورند. در چنین شرایطی، مصرف مواد می‌تواند به عنوان یک مکانیسم مقابله‌ای برای کاهش اضطراب‌ها و مشکلات روانی در نظر گرفته شود. همچنین، روابط ناسالم با جنس مخالف ممکن است به مشکلات روانی مانند افسردگی یا اضطراب منجر شود و نوجوانان برای تسکین این مشکلات از مواد استفاده کنند. عوامل فرهنگی نیز در این رابطه موثر هستند. در برخی فرهنگ‌ها، مصرف مواد در میان گروه‌های سنی خاص مانند نوجوانان رایج است و ممکن است روابط با جنس مخالف نیز تحت تاثیر فشارهای اجتماعی و فرهنگی قرار گیرد. در جوامعی که این دو رفتار به طور همزمان با هنجارهای اجتماعی یا فشارهای فرهنگی روبه‌رو می‌شوند، ممکن است نوجوانان این دو را به طور همزمان تجربه کنند. این رابطه معنادار می‌تواند از طریق نظریه‌های آسیب‌شناسی اجتماعی نیز توضیح داده شود. این نظریه‌ها بیان می‌کنند که زمانی که فرد نتواند با فشارهای اجتماعی و خانوادگی مقابله کند، ممکن است به رفتارهای انحرافی مانند مصرف مواد و روابط غیرسالم روی بیاورد. در این زمینه، روابط با جنس مخالف می‌تواند به عنوان یکی از عوامل فشار اجتماعی و راهی برای مقابله با مشکلات خانوادگی و اجتماعی عمل کند. همچنین این رابطه می‌تواند به طور متقابل باشد؛ یعنی مصرف مواد ممکن است به بروز روابط ناسالم با جنس مخالف منجر شود و بالعکس، روابط ناسالم با جنس مخالف نیز می‌تواند فرد را به مصرف مواد سوق دهد.

پیشنهادهای

برای کاهش آسیب‌های رفتاری-اجتماعی در بین دانش‌آموزان پسر، ابتدا لازم است که به پسران مهارت‌های اجتماعی و عاطفی ضروری آموزش داده شود. این مهارت‌ها شامل نحوه ابراز احساسات، حل مشکلات و مقابله با فشارهای اجتماعی است که می‌تواند آنها را از رفتارهای پرخطر محافظت کند. به علاوه، برنامه‌های مشاوره‌ای روان‌شناختی در مدارس باید تقویت شوند تا دانش‌آموزان پسر بتوانند مشکلات اجتماعی و روانی خود را به شیوه‌ای موثر حل کنند. فرهنگ‌سازی در خصوص تغییر نگرش‌های مردانه، به ویژه آن‌هایی که خشونت و رقابت شدید را تشویق می‌کنند، نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در مورد دانش‌آموزان با عملکرد تحصیلی ضعیف، باید به آنها حمایت‌های بیشتری از نظر آموزشی و روان‌شناختی ارائه شود. این گروه از دانش‌آموزان معمولاً به دلیل فشارهای تحصیلی و کمبود مهارت‌های مقابله‌ای در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار دارند. بنابراین، برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای که به تقویت مهارت‌های مقابله‌ای در برابر استرس و فشارهای محیطی کمک می‌کنند، می‌توانند نقش مهمی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی ایفا کنند. همچنین، ایجاد فضاهای اجتماعی سالم و مثبت در مدارس برای تقویت تعاملات میان همسالان می‌تواند از بروز مشکلات بیشتر در این گروه جلوگیری کند.

برای پیشگیری از فرار از خانه، به ویژه در شرایطی که روابط با جنس مخالف وارد معادلات پیچیده‌ای می‌شود، آموزش مهارت‌های ارتباطی و حل مسئله ضروری است. نوجوانان باید توانایی مدیریت روابط خود با جنس مخالف را در محیط‌های اجتماعی و خانوادگی به طور صحیح یاد بگیرند تا از بروز مشکلات عاطفی و رفتاری جلوگیری شود. همچنین، تقویت ارتباطات مثبت در خانواده‌ها می‌تواند به عنوان یک پیش‌نیاز برای پیشگیری از فرار از خانه و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن عمل کند.

در نهایت، برای مقابله با مصرف مواد و رابطه با جنس مخالف، لازم است که نوجوانان از خطرات جدی مصرف مواد آگاه شوند. آموزش در این زمینه می‌تواند از بروز آسیب‌های روانی و اجتماعی جلوگیری کند. همچنین، تقویت سلامت روانی از طریق آموزش مهارت‌های مقابله‌ای در برابر استرس‌ها و فشارهای اجتماعی می‌تواند از گرایش به مصرف مواد پیشگیری کند. در این زمینه، ایجاد فضاهای حمایتی و نظارتی در محیط‌های اجتماعی و آموزشی می‌تواند به نوجوانان کمک کند تا از روابط ناسالم و مصرف مواد دور بمانند و سلامت روانی خود را حفظ کنند.

منابع

- بادبدست، امیر. (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین آسیب‌های اجتماعی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. **هفتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی، روانشناسی و مشاوره ایران، تهران**. بازیابی از <https://civilica.com/doc/1140834>
- شجاعی، لیلا، ایدر، نبی‌الله، حجازی، سیدناصر. (۱۴۰۳). تبیین جامعه‌شناختی اثرپذیری نگرش به آسیب‌های اجتماعی بر اساس مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی (مطالعه موردی: دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر بیرجند). بازیابی از <https://civilica.com/doc/2144809>
- عیسی‌مراد، ابوالقاسم. (۱۳۹۴). بررسی مقایسه‌ای آسیب‌شناسی رفتاری اجتماعی دانش‌آموزان متوسطه شهر تهران. **پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۲۱۱-۲۲۶**.
- قیصری، زهرا، فولادی، محمدرضا، علیدادی، علیرضا. (۱۴۰۳). بررسی آسیب‌های تهدیدکننده معلمان و دانش‌آموزان در مدرسه و تبیین تأثیر گذاری این آسیب‌ها بر عملکرد رفتاری گروه مذکور. اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین نظام آموزشی و علوم تربیتی. بازیابی از <https://civilica.com/doc/2105738>
- مستانی‌جهرودی، علی. (۱۳۹۹). بررسی عوامل مؤثر در فرار دختران از خانه: مطالعه مروری. **اولین کنگره سالیانه دانشجویی آوان، دزفول**. بازیابی از <https://civilica.com/doc/1145662>

Hukkelberg, S., Keles, S., Ogden, T., & Hammerstrøm, K. T. (2019). The relation between behavioral problems and social competence: A correlational meta-analysis. *BMC Psychiatry*, 19, 354. <https://doi.org/10.1186/s12888-019-2343-9>

Kremer, K. P., Flower, A., Huang, J., & Vaughn, M. G. (2016). Behavior problems and children's academic achievement: A test of growth-curve models with gender and racial differences. *Child Youth Serv Rev*, 67, 95-104. <https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2016.06.003>

Zhou, W., & McLellan, R. (2021). Examining social status profiles with gender, school attended, SES, academic achievement and wellbeing in urban China. *Journal of Youth and Adolescence*, 50(7), 1464-1477. <https://doi.org/10.1007/s10964-021-01454-8>

Investigating behavioral and social problems among high school students in Varamin city

Abstract:

The present study aimed to investigate the threats and social harms among high school students in Varamin County. This research is descriptive-correlational in nature and applied in terms of purpose. Data were collected through a cross-sectional survey. The statistical population included all high school students in Varamin, and a sample size of 330 students was selected using stratified random sampling based on gender. The data collection tool was a researcher-made questionnaire consisting of 116 items. Its validity was confirmed through content validation, and its reliability was calculated with a Cronbach's alpha of 0.79. Data analysis was performed using SPSS software. The results indicated that behavioural-social harms were significantly higher among male students than female students. A significant difference was found in the level of behavioural-social harms among academically strong, average, and weak students, with strong students experiencing the least and weak students the most harm. A significant relationship was observed between running away from home and opposite-gender relationships. Additionally, substance use was significantly associated with opposite-gender relationships. The findings of this study align with previous research, contributing to the identification of factors influencing students' social harms. These insights can assist policymakers and education officials in designing preventive and intervention programs.

Keywords: Behavioural-social harms, Running away from home, Opposite-gender relationships, Drug use